کسی که به نام الله سوگند می خورد که کارِ نیک انجام ندهد، کجاست؟

از عایشه رضی الله عنها روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم صدای بلند دو نفر را در جلوی درب شنید که با هم بگومگو داشتند؛ یکی از آنها، از دیگری می خواست بخشی از طلبش را ببخشد و با او مدارا کند. و آن یکی می گفت: به الله سوگند که این کار را نمی کنم. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم بیرون رفت و فرمود: «أَيْنَ الْمُتَأَلِّي عَلَى اللَّه لا يَفْعَلُ المَعْرُوف؟»: «کسی که به نام الله سوگند می خورد که کارِ نیک انجام ندهد، کجاست؟» بستانکار پاسخ داد: ای رسول خدا، من هستم؛ ولی اینک هرطور که دوست دارد، با او رفتار می کنم.

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم صدای دو نفر را می شنود که بر سر امور مالی با یکدیگر اختلاف دارند؛ تا جایی که صدای شان بلند شده و به گوش رسول الله صلی الله علیه وسلم در خانه اش رسیده است؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم صدای آنها را می شنود که یکی از دیگری می خواهد بخشی از طلبش را ببخشد و با او مدارا کند. و او در پاسخ می گوید: به الله سوگند این کار را نمی کنم. بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد آنها رفته و می فرماید: «کسی که به نام الله سوگند می خورد که کارِ نیک انجام ندهد، کجاست؟»؛ پس یکی از آنها می گوید: من بودم که سوگند خوردم ای رسول خدا؛ اما اکنون هر طور که می خواهد با او رفتار می کنم. اگر بخواهد بخشی از طلبم را می بخشم و با او مدارا می کنم. و در روایتی از احمد (24405) و ابن حبان (5032) آمده که آن مرد گفت: «إِنْ شِئْتَ وَضَعْتُ مَا نَقَصُوا، وَإِنْ شِئْتَ مِنْ رَأْسِ الْمَالِ، فَوَضَعَ مَا نَقَصُوا»: «ای رسول خدا، اگر شما بخواهی از بخشی که آنها خواسته اند ببخشم، می گذرم و اگر بخواهی از اصل مال خود چشم پوشی می کنم و آنچه خواسته اند ببخشم پرداخت کنند». رسول الله صلی الله علیه وسلم تلاش می کند که در بین دو طرف صلح برقرار کند یا با بخشش و یا با مدارا؛ در این باب داستان مشابهی وجود دارد که بخاری (2424) و مسلم (1558) از کعب بن مالک رضی الله عنه روایت کرده اند؛ داستان از این قرار است که کعب بن مالک طلبی از عبدالله بن ابی حَدْرَد اسلمی دارد؛ چون او را ملاقات می کند طلبش را درخواست می کند و در این مورد مشغول بگومگو می شوند تا جایی که صدای شان بلند می شود؛ در این هنگام رسول الله صلی الله علیه وسلم با آنها روبرو می شود و می فرماید: «ای کعب» و با دستش اشاره می کند؛ گویا می گوید: نیمی از طلبت را بگیر. پس کعب رضی الله عنه نیمی از طلبش را می گیرد و باقی را رها می کند. شایسته ی مسلمان این است که مشتاق عمل نیک باشد ازجمله برقراری صلح و سازش بین مردم؛ بنابراین چون دو نفر یا دو گروه یا قبیله را دید که با هم اختلاف دارند و بر سر موضوعی کشمکش داشته و چه بسا کار به کینه و دشمنی و جنگ رسیده باشد، شایسته این است که برای صلح و آشتی میان آنها تلاش کند و تفرقه و دشمنی موجود را از بین برده و برادری و محبت را جایگزین آن نماید که در این کار، خیر زیاد و پاداش فراوانی نهفته است. بلکه این عمل برتر از درجه ی روزه داری است که به نماز ایستاده و صدقه می دهد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلَ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟»: «آیا به شما در مورد عملی برتر از درجه ی روزه و نماز و صدقه خبر ندهم؟» گفتند: بله ای رسول خدا؛ فرمود: «إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ»: «برقراری صلح و سازش». این حدیث را ابوداود (4919) روایت نموده و البانی در صحیح ابی داود (4919) آن را صحیح دانسته است.